

گذری بر معنی‌شناسی اسلوب تمنی در قرآن کریم

مرضیه کهندل جهرمی*

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۱/۱۳

محمود آبدانان مهدیزاده**

تاریخ پذیرش: ۹۲/۵/۱۰

چکیده

از جنبه‌هایی که در معنی‌شناسی قرآنی می‌توان از آن مدد جست اسلوب‌های ادبی می‌باشند، که به طور محسوسی در آیات الهی جلوه‌گری می‌نمایند. قرآن کریم پیام‌های والای خود را در قالب زیباترین اسلوب‌های ادبی بیان می‌دارد، تا از این رهگذر بتواند هدایتگر و روشنی‌بخش راه جامعه بشری گردد. از جمله این اسلوب‌ها، اسلوب تمنی است. هدف از مقاله حاضر این است که به بررسی این اسلوب در قرآن کریم بپردازد، و اغراض بلاغی که در حروف تمنی یعنی لیت، لعل، هل و لو به کار رفته است را ذکر نماید. سپس این اغراض را در آیه‌های قرآنی مورد بررسی قرار دهد.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، اسلوب تمنی، معانی بلاغی، علم معانی، آرایه‌های معنایی قرآن.

مقدمه

علم بلاغت و آیین سخنوری از زمان‌های دور مورد توجه سخنوران نامی بوده است. پر واضح است که آگاهی از مسائل بلاغی و اسلوب‌های ادبی حائز اهمیت بسیار است؛ به ویژه در مورد قرآن کریم، کتاب آسمانی که به بهترین شکل، و زیباترین و رساترین شیوه بلاغت از طرف پروردگار با زبان ادبی به بندگان خود هدیه شده است، لذا توجه به مسائل بلاغی و اسلوب‌های قرآنی گامی مؤثر برای شناخت هر چه بهتر معجزه پیامبر اکرم(ص) و لطایف کلام ربانی است که بدین وسیله می‌توان دریافت آیه‌های قرآنی از لحاظ لفظ در غایت استواری، و از جهت نظم کلمات در نهایت زیبایی و در بردارنده عالی‌ترین مضامین و معانی است. از اسلوب‌های ادبی که در قرآن کریم دیده می‌شود، اسلوب تمنی است. این اسلوب یکی از انواع اسلوب‌های انشای طلبی است که در علم معانی قرار گرفته است، و به بررسی معنی بلاغی در حروف لیت، لعل، هل و لو می‌پردازد. لذا در این مقاله سعی شده است تا این حروف را از لحاظ بلاغی در قرآن کریم مورد بررسی قرار گیرد.

تمنی

در «لسان العرب» در مقابل واژه "تمنی" چنین آمده است: «تمنی از فعل جامد «مینی» مشتق شده است. (تمنی الشیء) اراده و آن: حصول امری مرغوب و محبوب و حدیث نفس در مورد ممکن و غیر ممکن می‌باشد» (ابن منظور، بی تا: ۳۶).

و علماء بلاغت تمنی را چنین تعریف کرده‌اند: «طلب امری است که محبوب متکلم باشد و کلمه وضع شده برای تمنی در عربی «لیت» است» (یمینی، ۱۴۲۸: ۵۲).

در تمنی، متکلم امید و توقعی به دست یافتن به متمنی ندارد، و این ناامیدی در حصول آن یا به خاطر این است که متمنی امری است محال مانند «لیت الشباب یعود» یا اینکه حصول متمنی ممکن است اما متکلم چون توقع و طمعی به حصول آن ندارد آن را محال می‌پندارد. همانند آیه:

﴿يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ﴾ (قصص/۷۹) (فاضلی، ۱۳۶۵: ۱۳۵)

انواع تمنی

۱. تمنی مستحیل (محال): طلب امری محبوب اما دست‌نیافتنی است که هیچ‌گونه امید و انتظاری برای حصول به آن وجود ندارد (تفتازانی، ۱۴۰۷: ۲۰۵)، همانند:
الا لیت الشباب یعود یوماً
فأخبره بما فعل المشیب

- ای کاش جوانی روزی بر می‌گشت تا به او خبر می‌دادم از آنچه که دوران پیری بر سر ما آورده است (رجایی، ۱۳۷۹: ۱۳۴).
و همچنین این آیه:

﴿وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلاً﴾ (فرقان/۲۷)

«لیتنی اتخذت» در مقام تمنی امری محال است، که در روز قیامت فرد ظالم اظهار حسرت و پشیمانی می‌کند تا طریق رسول (ص) را در پیش می‌گرفت، زیرا که فرصت برای جبران مافات به پایان رسیده است و در روز قیامت هیچ راه بازگشتی وجود ندارد. «هم‌چنین این بیت از محتشم کاشانی که تمنی محال می‌باشد:

کاش آن زمان که این حرکت کردی آسمان سیماب‌وار، روی زمین بی‌سکون شدی

بی‌سکون شدن آسمان که دارای سیاراتی بی‌شمار است، از موارد تمنی و انتظار حصول امری ناممکن است» (همان).

تمنی ممکن بعید الوقوع

در صورتی که شیء مورد تمنی ممکن باشد، واجب است که هیچ‌نوع توقع و طمعی در برآورده شدن و حصول آن نباشد، مگر نه معنی ترجیحی می‌دهد (تفتازانی، ۱۴۰۷: ۲۲۶). همانند «لیت خلیلی یزورنی» در حالتی که زیارت خلیل متوقع و مورد طمع متکلم نباشد. استعمال لیت صحیح است و الا استعمال آن صحیح نیست بلکه در حالت طمع «عسی» و در حالت توقع باید «لعل» آورده شود (رجایی، ۱۳۷۹: ۱۳۴).

سیوطی در «الاتقان» در مورد فرق میان تمنی و ترجی چنین گفته است: «در ترجی شرط است که شیء مورد امید امکان تحقق داشته باشد، اما تمنی فاقد این شرط است» (سیوطی، بی تا: ۲۹۷).

برای نمونه این بیت از سعدی معنی لیت را می‌رساند:

کاشکی قیمت انفاس بدانندی خلق تا دمی چند که مانده است غنیمت شمردند

دانستن ارزش عمر از نظر سعدی امری ممکن اما بعید الوقوع است» (رجایی، ۱۳۷۹: ۱۳۲).

همین طور در آیه

﴿قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ﴾ (قصص/۷۹)

که دست‌یافتن به ثروتی همانند ثروت قارون شاید امری ممکن باشد، اما متکلم هیچ‌گونه طمع و توقعی در برآوردن آن ندارد.

«باید خاطرنشان کرد که منظور از «بُعد» در اینجا بعد نفسی است، که به احساس به آن چیز

بر می‌گردد، اما به نسبت واقعیت و عرف بعید نمی‌باشد» (فیود، ۱۹۹۸: ۱۲۵).

اغراض بلاغی تمنی

در زبان عربی لفظی که در اصل بر تمنی دلالت دارد کلمه «لیت» است (یمنی، ۱۴۲۸: ۱۹۱). لیت بر سر جمله اسمیه وارد شده، اسم آن را منصوب و خبرش را مرفوع می‌کند. گاهی برخی از الفاظ به جهت غرض بلاغی و زیباشناسی در معنی تمنی استعمال می‌شود، و آن‌ها از این قرارند:

أ.هَلْ

گاهی امر مورد تمنی با هل استعمال می‌شود. نکته کاربرد هل به جای لیت ابراز متمنی است در صورت ممکن الوقوعی که یقین و جزم به انتفایش نیست (تفتازانی، بی تا: ۱۳۰)؛ مانند «هل لی من شفیع...»، در صورتی که می‌داند هیچ شفاعت‌کننده‌ای وجود ندارد، زیرا حملش بر حقیقت استفهام نتوان کرد برای اینکه استفهام مقتضی جهل به ثبوت و انتفاء حکم است، و اینجا انتفاء حکم یعنی نداشتن شفیع برای متکلم قطعی است نه مشکوک، و نکته عدول از لیت به هل در

این آیه شریفه این است که چون متکلم نسبت به متمنی شدت محبت و کمال عنایت دارد، متمنی را در صورت امر ممکن که عدم حصولش یقینی نیست بیان کرده است.

و هل در این بیت از *ذوالرمه* معنی لیت را می‌دهد:

أ منزلتی میّ سلامٌ علیکما
هل الأزمّن اللاتی مضین رواجع

(حسن عباس، ۱۴۲۴: ۱۶۱)

- ای دو اقامتگاه «می» سلام بر شما! آیا زمان‌هایی که گذشت بر می‌گردد؟
شاعر خود می‌داند که زمان‌های گذشته دیگر بر نمی‌گردد، اما به جای کلمه لیت از هل استفاده کرده است تا شدت علاقه خود را به برگشت زمان نشان دهد.

ب. لو

گاهی «لو» به جای لیت در تمنی به کار می‌رود؛ مانند «لو تأتینی فتحدثنی (بنصب) تحدثنی بتقدیر»، آن مضمرب بعد از فاء در جواب تمنی یعنی اُتمنی اِتیاناً منک فتحدثنی (دسوقی، ۱۴۲۳: ۴۴۲)، و همانند آیه

﴿فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةٌ فَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (شعراء/۱۰۲)

لو در این آیه در معنی تمنی آمده است گویی گفته شده: «فلیت لنا کَرَّةٌ». در این آیه فعل مضارع «تکون» منصوب می‌باشد، اما اگر در معنی تمنی نبود فعل مضارع مرفوع باقی می‌ماند، همانند «لو زرتنی اکرمک» با رفع فعل مضارع، زیرا که قصد متکلم تمنی نبوده است (حسن عباس، ۱۴۲۴: ۱۶۲)، و همچنین آیه:

﴿فَلَمَّا أَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُم مِّن قَبْلُ وَإِيَّايَ﴾ (اعراف/۱۵۵)

در اینجا «لو» در معنی تمنی و آرزوی هلاک و نابودشدن قبل از آن واقعه بوده، مثل این که فرد نادم هنگامی که عاقبت بدکاری‌اش را ببیند بگوید: «لو شاء لأهلکنی قبل هذا» (زمخشری، ۱۴۲۷: ۱۲۴).

نکنه عدول از لیت به لو ابراز متمنی به صورت کمیاب بودن و اشعار به عزت متمنی است؛ زیرا لو در اصل معنایش دلالت بر عدم وجود دارد، یعنی امتناع جزا به خاطر امتناع شرط و آنچه در شکل «لو» بیاید، لا اقل عزت وجود را می‌رساند (دسوقی، ۱۴۲۳: ۲۴۱).

در فرق میان تمنی به لو، و تمنی به لیت چنین آمده است: «به وسیله «لو» شدت محال بودن متمنی بیش‌تر است مانند:

﴿وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّا كُنَّا نَدْرِكُهُمْ لَسَخَّطْنَا لَهُمْ عَمَلَهُمْ وَجَنَّبْنَا لَهُمُ النَّارَ﴾ (البقره/۱۶۷)

و در این آیه شدت احساس کافران را به یأس و ناامیدی، و غیر ممکن بودن رجوع و بازگشت به دنیا به وسیله تمنی به «لو» بیش‌تر غیر ممکن و محال نشان می‌دهد، به دلیل این که لو حرف امتناع للإمتناع می‌باشد (فیود، ۱۹۹۸: ۱۶۴).

همانند:

وَلَى الشَّبَابُ حَمِيدَةً أَيَّامُهُ
لو کانَ ذلکَ یُشْتَرَى أَوْ یُرْجَعُ

- جوانی ایام خوب و پسندیده‌ای است که ای کاش آن ایام خریده می‌شد یا بر می‌گشت. در این بیت که شدت محال بودن بازگشت به جوانی را به وسیله حرف «لو» بیش‌تر نشان می‌دهد تا اینکه گفته شود «لیت الشباب یعود»، زیرا همان‌طور که گفتیم حرف «لو» حرف امتناع للإمتناع می‌باشد.

«با تدبر و تأمل در آیات قرآن کریم می‌توان به تفاوت بین «هل و لو» پی برد. با تأملی در آیه:

﴿فَهَلْ لَنَا مِن شُفْعَاءٍ فَيَشْفَعُوا لَنَا﴾ (الاعراف/۵۱)

و آیه:

﴿فَلَوْ أَنَّا كُنَّا نَدْرِكُهُمْ﴾ (شعراء/۱۰۲)

می‌شود چنین استنباط کرد که وجود شفیعان امری ممکن و دست‌یافتنی است، و بسیار آسان‌تر از بازگشت کافران به دنیا است که در آن از حرف «لو» استفاده شده است. اما باید از به

کار بردن این دو حرف به جای یکدیگر بر حذر بود، زیرا که متمنی به «لو» همان‌طور که گفته شد، بعید المنال است بر عکس متمنی به هل زیرا لو حرف امتناع للامتناع است» (همان).

ج. لعل

«لعل» برای ترجی وضع شده است، و عبارت از ترقب و انتظار چیزی و طمع داشتن به حصول آن چیز است، در صورتی که آن چیز محبوب باشد، طمع خوانده می‌شود. مانند «لعلک تعطینا» و اگر مکروه باشد، اشفاق گفته می‌شود مانند «لعلی أموت الساعة» (حسن عباس، ۱۴۲۴: ۱۶۰). ترجی از انواع طلب نیست؛ میان ترجی و تمنی تفاوت‌هایی قائل گشته‌اند از جمله اینکه بعضی گمان می‌کنند که تمنی امری محال است، و ترجی امری ممکن که این تعریف خالی از دقت است زیرا تمنی ممکن است که برای امری غیر محال نیز رخ دهد (همان).

«علماء بلاغت میان «امید داشتن» و «آرزو کردن» فرق نهاده‌اند، که مطلوب در آرزو کردن غیر قابل امکان است، ولی در امید داشتن، طمع و انتظار به رسیدن مطلوب، بدون اشکال به نظر می‌رسد. به همین دلیل برخی گویند که ترجی از اقسام طلب نمی‌باشد بلکه عبارت از انتظار حصول مطلوب است» (رضانژاد، ۱۳۶۷: ۲۹۶).

توضیح مطلب این است که به علت شباهت امر متوقع به امر محال یا غیر مطموع، و بعد و محال بودن در حصول متمنی به متعلق تمنی لعل را به جای لیت قرار داده و حکم لیت را بر آن جاری می‌سازند. یعنی فعل مضارع بعد از آن را به آن مقدر منصوب می‌نمایند تا از لعل معنی تمنی تولید گردد (تفتازانی، ۱۴۰۷: ۲۲۶).

«همانند آیه شریفه:

﴿وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا هَامَانَ ابْنِ لِي صرْحًا لَعَلِّي أَبْلُغُ الْأَسْبَابَ ﴿٣٦﴾ أَسْبَابَ السَّمَوَاتِ فَأَطَّلِعُ إِلَىٰ آلِهَةٍ

مُوسَىٰ وَإِنِّي لِأَظُنُّهُ كَاذِبًا...﴾ (غافر/ ۳۷-۳۶)

رسیدن به درهای آسمان از کارهای محالی است که دست‌یافتن به آن غیر ممکن می‌باشد، و به خاطر همین اقتضاء می‌کند ادات تمنی اصلی که «لیت» است، به کار رود؛ اما از لیت به لعل که مفید معنی ترجی است عدول شده، به خاطر غرض بلاغی و آن ابراز متمنی محال به صورت ممکن و دست‌یافتنی است به خاطر کمال توجه و شدت میل و رغبت در وقوع آن.

اغراض بلاغی تمنی در سوره‌های قرآن کریم

﴿وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُرَحِّزٍ لَهُ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يُعَمَّرَ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ﴾ (البقره/۹۶)

حرف «لو» در این آیه افاده معنی تمنا را می‌کند.

﴿وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُّدُّونَكُمْ مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كَقَارِأَحْسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْتَصُوا وَأَصْفَحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرٍ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (البقره/۱۰۹)

﴿وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّا كُنَّا نَدَّبُهُمْ بِرَأْسِهِمْ كَمَا تَدْبِرُونَ وَأَمِنَّا كَذَلِكَ يَرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ﴾ (البقره/۱۶۷)

«لو» در این آیه افاده معنی تمنی می‌کند، و به جای لیت آمده است؛ به همین دلیل جواب آن با فاء همراه است مثل این که گفته شود: «لیت لنا کره فنتبرأ منهم» (زمخشری، ۱۴۲۷: ۱۶۳).

غرض از استعمال «لو» به جای «لیت» عزت وجود متمنی است، یعنی کافران عزت وجود متمنی که همان بازگشت به دنیا و بیزاری از راهی را که در پیش گرفته بودند را حس کرده، اما آرزویشان آرزویی محال و غیر ممکن است، و حرف «لو» امتناع جزا به دلیل امتناع شرط محال بودن متمنی را می‌رساند.

﴿وَلَيْنَ أَصَابِكُمْ فَضْلٌ مِّنَ اللَّهِ لِيَقُولَنَّ كَأَن لَّمْ تَكُن بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ مَوَدَّةٌ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا﴾ (نساء/۷۳)

حرف «لیت» به خاطر ندامت و حسرت به کار رفته است.

﴿وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتَّىٰ يَهَاجِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَنَحْذُوهُمْ وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وُلِيًّا وَلَا نَصِيرًا﴾ (نساء/۸۹)

«لو» در این آیه افاده معنی تمنی می‌کند؛ یعنی: «همان‌گونه که خودشان کافر شده‌اند آرزو دارند که شما نیز کافر شوید...».

﴿وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلَتَقُمْ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا أَوْ لَيُكُونُوا مِن وَرَائِكُمْ وَلَثُمَ طَائِفَةٌ أُخْرَىٰ لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا

حَذَرَهُمْ وَأَسْلَحْتَهُمْ وَذَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً
وَاحِدَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ بِكُمْ أذىٌ مِنْ مَطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَنْ تَصْعَوْا أَسْلِحَتَكُمْ
وَخِذُوا حِذْرَكُمْ إِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا ﴿نساء/۱۰۲﴾

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَاءٌ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَيَفْتَدُوا بِهِ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَا
تُقْبَلُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (مائده/۳۶)

در این آیه حرف «لو» به جای حرف لیت به کار رفته است؛ یعنی: «ای کاش آنچه را بدان
پند داده می شوند به کار می بستند».

﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وَقَفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَا لَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبُ بِآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونَ مِنَ
الْمُؤْمِنِينَ﴾ (انعام/۲۷)

«یا لیتنا نرد» در این آیه افاده معنی تمنی می کند، و «لا نکذب و نکون» با نصب و تقدیر آن
جواب تمنی است و به معنی «این رددنا لم نکذب و نکن من المؤمنین» (زمخشری، ۱۴۲۷: ۱۴).

تمنی در این آیه افاده معنی ندم و پشیمان گشتن از کردار را می رساند.

﴿هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلَهُ يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ
فَهَلْ لَنَا مِنْ شَفْعَاءَ فَيَشْفَعُوا لَنَا أَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلْ غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ قَدْ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَصَلَّ
عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْقَهُونَ﴾ (الاعراف/۵۳)

«هل» در «هل لنا من شفعاء» در این آیه افاده معنی تمنی می کند یعنی کاش شفیعانی
برای ما می بود تا ما را شفاعت می کردند. در این آیه هل استفهام حقیقی نیست، زیرا که استفهام
مقتضی جهل به ثبوت و انتفاء حکم است، و در این آیه انتفاء حکم یعنی نداشتن شفیع برای
متکلم قطعی می باشد، و غرض از عدول لیت به هل در این آیه شریفه این است که چون متکلم
نسبت به متمنی کمال عنایت را دارد، متمنی را به صورت امر ممکن که عدم حصولش یقینی
نیست ابراز کرده است.

﴿وَاخْتَارَ مُوسَىٰ قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِمِيقَاتِنَا فَلَمَّا أَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُمْ
مِنْ قَبْلُ وَإِيَّايَ أَتَهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الشُّفَهَاءُ مِنَّا إِنْ هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَنْ تَشَاءُ وَتَهْدِي مَنْ
تَشَاءُ أَنْتَ وَلِيْنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ﴾ (اعراف/۱۵۵)

«لو» در این آیه افاده معنی تمنی را می کند (پیشین: ۲۴۵).

﴿قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةٌ أُوَاوِي إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ﴾ (هود/۸۰)

«لو» در این آیه افاده معنی تمنی می‌کند و به معنی «لیت» می‌باشد. چون حضرت هود آن چنان قدرت و توانایی نداشت تا با شرک قوم خود مقابله نماید از حرف «لو» به جای «لیت» استفاده کرده است. غرض از عدول از لیت به لو ابراز متمنی به صورت کمیاب بودن و عزت وجود داشتن است، زیرا لو در اصل معنایش دلالت بر عدم وجود دارد یعنی امتناع جزا به خاطر امتناع شرط و آنچه در شکل «لو» بیاید لا اقل عزت وجود دارد.

﴿وَأُحِيطَ بِثَمَرِهِ فَأَصْبَحَ يُقَلِّبُ كَفَّيْهِ عَلَىٰ مَا أَنفَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمَّا شَرَكْتُ بِرَبِّي أَحَدًا﴾ (الكهف/۴۲)

«یا لیتنی لم اشرك» در این آیه افاده معنی ندامت را دارد، و یقلب کفیه قرینه‌ای است برای دریافتن معنی ندامت که کنایه از ندامت و حسرت می‌باشد.

﴿وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَىٰ يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا﴾ (فرقان/۲۷)

«عض الیدین» گزیدن دست‌ها کنایه از حسرت می‌باشد، و ظالم روز قیامت آرزو می‌کند که ای کاش طریق و روش حضرت محمد(ص) را در پیش می‌گرفت و به سلک او می‌پیوست (زمخشری، ۱۴۲۷: ۲۱۰).

﴿يَا وَيْلَتَىٰ لَيْتَنِي لَمَّا تَخَذْتُ لَنَا خَلِيلًا﴾ (فرقان/۲۸)

«لیتنی لم اتخذ» تمنی و افاده معنی ندامت و پشیمانی بر انجام کاری می‌کند، که دیگر جبران آن غیر قابل حصول می‌باشد، و «یا ویلتی» نیز قرینه‌ای است برای دریافت معنی ندامت.

﴿قُلُوا لَنَا كَرَّةٌ فَنَكُونَنَّ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (شعراء/۱۰۲)

«لو» به معنی تمنی است و به جای «لیت» آمده «لیت لنا کره» (پیشین: ۲۴۵)، و غرض از استعمال لو به جای لیت ابراز عزت وجود داشتن و کمیاب بودن متمنی است؛ زیرا که کافر هنگامی که قیامت و شدت عذاب آن را مشاهده می‌نماید با حرف «لو» که به جای «لیت» آمده آرزوی راه بازگشت می‌کند، تا در زمره مؤمنان درآید. در این هنگام است که عزت وجود داشتن در گروه مؤمنان را درک می‌کند اما دیگر راه بازگشتی ندارد، زیرا حرف «لو» امتناع شرط برای امتناع جواب است.

﴿فَيَقُولُوا هَلْ نَحْنُ مُنْظَرُونَ﴾ (شعراء/۲۰۳)

هل در این آیه افاده معنی تمنی می‌کند؛ یعنی: «ای کاش ما از مهلت داده شدگان بودیم».

﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُوا رُءُوسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ رَبَّنَا أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ﴾ (سجده/۱۲)

لو در این آیه به جای حرف لیت به کار رفته است؛ «یعنی ای کاش هنگامی را که مجرمان پیش پروردگارشان سرهای خود را به زیر افکنده‌اند می‌دیدی».

﴿يَوْمَ تَقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَ﴾ (احزاب/۶۶)

در این آیه «لیت» افاده معنی تحسر می‌کند.

﴿وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَعَلَّهُمْ يَنْصَرُونَ﴾ (یس/۷۴)

یاری شدن کافران به وسیله بت‌ها امری غیر ممکن است، و در اینجا حرف لعل به جای لیت به کار گرفته شده تا امر محال را به صورت ممکن بیان کند؛ و شدت علاقه به توجه به این امر نشان داده شود.

﴿أَوْ تَقُولُ حِينَ تَرَى الْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةٌ فَأَكُونَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ﴾ (زمر/۵۸)

«لو» در این آیه به جای «لیت» آمده، و معنی آرزوی بازگشت می‌دهد (زمخشری، ۱۴۲۷: ۱۰۴).

﴿قَالُوا رَبَّنَا أَمَتَّنَا اثْنَتَيْنِ وَأَحْيَيْنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَىٰ خُرُوجٍ مِّن سَبِيلٍ﴾ (غافر/۱۱)

«هل» در این آیه به معنی تمنی «لیت» می‌باشد، و استفهام حقیقی نیست، و سرّ بلاغی وراء تمنی با ادات استفهام در این آیه، این است که کافران به خاطر وحشت زیاد خود از عذاب جهنم گویی که عقلشان ربوده شده و غیر ممکن را ممکن گمان می‌کنند. پس از آن امر سؤال می‌کند و به خاطر کمال عنایت و توجه به حصول تمنی و میل و گرایش زیاد، وقوع آن امر محال را به وسیله استفهام به صورت ممکن بیان می‌دارد.

پس غرض از استعمال «هل» به جای «لیت» ابراز تمنی است، به خاطر کمال عنایت و توجه به آن به صورت ممکن الوقوع که یقین و جزم به انتفایش نیست.

﴿وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا هَامَانَ ابْنِ لِي صِرْحًا لَعَلِّي أُنَبِّئُكَ الْأَسْبَابَ﴾ (غافر/۳۶)

در این آیه لعل به جای حرف لیت به کار رفته است؛ زیرا که رسیدن به درهای آسمان از کارهای محال است، اما به دلیل ابراز متمنی و توجه به آن امر محال به صورت امر ممکن بیان شده است.

﴿وَدُّوا لَوْ تَدَّهِنُ فَيَذَهُنَّ﴾ (القلم/۹)

«لو» همراه فعل «ودوا» معنی تمنی می‌دهد و به جای «لیت» آمده است، و آرزوی امری غیر حاصل را دارد و غرض از استعمال آن ابراز عزت وجود متمنی و کمیاب بودن آن است. اگر گفته شود چرا «یذهبون» با رفع آمده است و همراه با آن مقدر نصب نگردیده، در حالی که جواب تمنی است؟ باید بگوییم یذهبون به طریقی دیگر عدول گردیده است و آن خبر برای مبتدای محذوف یعنی فهم یذهبون می‌باشد (پیشین: ۴۴۴).

﴿يَحْسِبُونَ الْأَحْزَابَ لَمْ يَذْهَبُوا وَإِنْ يَأْتِ الْأَحْزَابُ يَوَدُّوا لَوْ أَنَّهُمْ بَادُونَ فِي الْأَعْرَابِ يَسْأَلُونَ

عَنْ أَنْبَاءِكُمْ وَلَوْ كَانُوا فِيكُمْ مَا قَاتَلُوا إِلَّا قَلِيلًا﴾ (احزاب/۲۰)

﴿وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيهِ﴾ (الحاقه/۲۵)

«یا لیتنی» در اینجا به معنی پشیمانی و تحسر بر کردار خویش است.

﴿يَا لَيْتَهَا كَانَتِ الْقَاصِيَةَ﴾ (الحاقه/۲۷)

ضمیر «ها» در «لیت» به موت (مرگ) برمی‌گردد، و فرد در روز قیامت ابراز ندامت و پشیمانی کرده و به خاطر همین شدت ندامت و عذاب حالتی را که در آن واقع شده را بسیار تلخ تر و بدتر از تلخی مرگ می‌بیند (پیشین: ۴۵۶).

﴿إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ

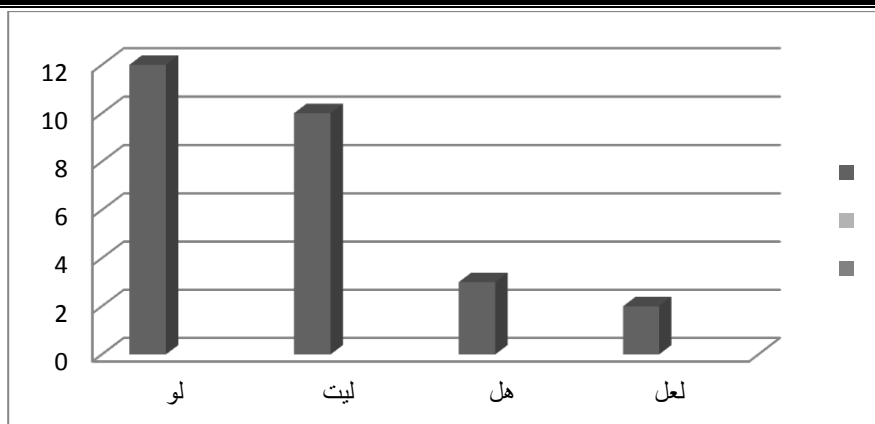
تُرَابًا﴾ (نبا/۴۰)

«لیت کنت تراباً» در این آیه به معنی ندامت و تحسر آمده است. فرد کافر هنگامی که عذاب

روز قیامت را مشاهده می‌کند آرزوی خاک بودن را می‌نماید چون از خاک محاسبه نمی‌شود.

﴿يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي﴾ (فجر/۲۴)

«یا لیتنی» در این آیه افاده معنی ندامت و تحسر می‌کند.



نمودار فراوانی اغراض بلاغی اسلوب تمنی در قرآن کریم

نتیجه بحث

آنچه که از آیات الهی در معنی تمنی بیان شد، نشان می‌دهد که فهم دقیق آیات الهی مستلزم شناخت اسلوب‌های ادبی می‌باشد، اسالیبی که با ظرافت خاص در آیات الهی جلوه‌گری می‌نماید. از جمله این اسالیب اسلوب تمنی است که در قرآن کریم جز در معنی لیت در سه معنی دیگر یعنی هل، لو و لعل دارای بعد معنی شناختی است، و همانطور که در نمودار می‌توان مشاهده نمود حرف لو که شدت محال بودن متمنی را در بر دارد، دارای بیش‌ترین فراوانی در آیات الهی است.